

«اثبات فطری بودن انتظار منجی»

الهه سیاهپوش

چکیده:

موضوع انتظار منجی و مصلح، باور مشترک همه ادیان الهی هست، امید به آینده‌ای روشن و اعتقاد به ظهور موعود، مسأله‌ای فطری است که با سرشت و نهاد آدمی آمیخته شده است. هدف از پژوهش حاضر اثبات فطری بودن مقوله انتظار منجی است. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است؛ نگارنده ابتدا به مفهوم شناسی دو مفهوم فطرت و انتظار پرداخته و سپس با توجه به سه گرایش فطری انسان (خداخواهی، عدالتخواهی و تکامل طلبی) به اثبات موضوع مذکور پرداخته است. مهم ترین نتایج تحقیق این است که انسان فطرتاً خداجو، عدالتخواه و تکامل طلب است اما امروزه آدمی فطرت خویش را به دست غفلت و فراموشی سپرده و از ارزش‌های فطری خویش رویگردان شده است یا اینکه تمایلات فطری او بی‌پاسخ مانده است که بر اساس آموزه‌های شیعی انسان در عصر ظهور به فطرت خویش بازگردد و به آرزوهای دیرینه خویش می‌رسد، بنابراین اصل منجی‌گرایی مطابق با فطرت آدمی است.

کلید واژه:

فطرت، انتظار، منجی، منجی‌گرایی

مقدمه

در اینجا ضروری می‌بینیم ابتدا به بیان مفهوم انتظار بپردازیم. مفهوم انتظار به معنای عام و خاص تقسیم می‌شود؛ انتظار در مفهوم عام به معنای امید به آینده و چشم به راه بودن است؛ اما در مفهوم خاص به معنای نیاز به موعودی است که با تشکیل حکومتی جهانی عدالت را در جهان گسترش داده و بشر را به آینده روشنی که در انتظار آن بود برساند. موضوع انتظار منجی و مصلح، باور مشترک همه ادیان الهی هست، و

آن شخصیت الهی و موعود در دیدگاه هر کدام از ادیان الهی از جمله مسیحیت یهودیت و زرتشت متفاوت است، اما در اندیشه مسلمانان مقصود از منجی، وجود مبارک حضرت مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ناگفته نماند امید به آینده‌ای روشن و اعتقاد به ظهور موعود، مسأله‌ای فطری است که با سرشت و نهاد آدمی آمیخته شده است، زیرا ظهور منجی پاسخگوی بسیاری از نیازهای فطری انسان است و به تبع آن به انتظار نشستن منجی موعود امری فطری محسوب می‌شود؛ من در این مقاله با توجه به نیازهای فطری انسان در صدد اثبات فطری بودن انتظار منجی موعود و پاسخگویی به این پرسش هستم که چرا مقوله انتظار منجی، مسأله‌ای فطری است؟

اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسأله از آنجا روشن می‌شود که مقوله انتظار یکی از عوامل تعالی و شکوفایی در تمامی عرصه‌های اجتماعی و حکومتی خواهد بود. آینده روشن به خودی خود، مقدمه تکاپو و تلاش و امید و پویایی است؛ ما اگر می‌خواهیم در مسیر پیشرفت جامعه و کشورمان گام برداریم، باید به مقوله انتظار و بحث مهدویت، اهمیت و اهتمام بیشتری دهیم. با توجه به اینکه زمان انتظار تا ظهور حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) مشخص نیست و در عصر حاضر تعدد شبهات به اصل مهدویت و مقوله انتظار وارد می‌شود، و از طرفی تأثیری که مبحث انتظار در پیشرفت و شکوفایی جامعه دارد؛ من را بر آن داشت تا به اثبات فطری بودن انتظار منجی بپردازم، اگر مسأله انتظار و فطری بودن آن به درستی تبیین گردد، می‌تواند مهر باطلی بر تمام شبهاتی باشد که انتظار منجی را امری موهوم و بدون مبنا می‌داند و به تبع آن روح امید در جامعه زنده نگاه داشته می‌شود و در مقابل اگر مقوله انتظار و بحث مهدویت، مورد غفلت قرار گیرد، شبهات دشمنان و توطئه‌های فرهنگی آنها در اعتقادات جامعه نفوذ کرده و امر انتظار، امری موهوم و بی اساس خوانده می‌شود و به تبع آن ناامیدی، پوچ انگاری و بیهودگی در جامعه پدید می‌آید.

در رابطه با پیشینه تحقیق باید گفت؛ عباسعلی پرچی‌زاده در کتاب «موعود فطرت» (1397)؛ به این پرداخته است که اندیشه مهدویت و انتظار و چشم داشت آمدن یک منجی و مصلح بزرگ آسمانی و جهانی و امید به آینده‌ای روشن و استقرار صلح و عدل و امنیت، پیش از آنکه به عوامل بیرونی، اجتماعی، اقتصادی یا تاریخی مرتبط و وابسته باشد، امری فطری و طبیعی است که با ذات سرشت آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است. نسرین میانجی نیز در پایان نامه «مبانی نظری انتظار» (1383)؛ به این موضوع پرداخته است که، انتظار به دلیل فطری بودن و بدلیل وعده‌های الهی مبنی بر حکومت صالحین در غایت و پایان تاریخ و بدلیل روایاتی که در باب اضطرار حجت مطرح گردیده اولاً خاستگاهش صرف محرومیت‌ها و نابسامانی‌ها و عقده‌های روانی نبوده و ثانیاً مقوله انتظار يك امر وارداتی و برگرفته از مکاتب و ادیان دیگر نیز نمی‌باشد، همچنین بهروز محمدی منفرد در مقاله «انسان شناسی دولت مهدوی» (1387)؛ با بازشناسی بحران‌ها و آسیبهای انسان متجدد، انسان‌شناسی دولت

مهدوی را به منزله مکتب انسان‌شناسانه، الگویی مناسب برای جهانیان معرفی می‌نماید، تا علاوه بر به چالش کشیدن انسان‌شناسی مکاتب غربی، آن افق روشنی که آموزه‌های ادیان بدان وعده داده است را ترسیم نماید.

از آنجا که کار پژوهشی مستقلی در زمینه اثبات فطری بودن انتظار منجی صورت نگرفته است، برآن شدم تا به بررسی و پژوهش در موضوع مذکور بپردازم، به امید اینکه مقبول حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مفاهیم موضوع

مفاهیم بنیادین و اساسی مقاله عبارتند از:

الف) فطرت

فطرت در لغت عرب از ریشه «فَطَرَ»، به معنای شکافتن و آفرینش ابتدایی و بی سابقه،¹ ایجاد و ابداع،² ابتدا و اختراع،³ آمده است. کلمه «فطرت» بر وزن «فَعْلَة» دلالت بر نوع خاصی از آفرینش انسان دارد که طبق این فطرت، انسان به سوی شیوه خاصی از زندگی یا هدفی مشخص گرایش دارد.⁴ واژه فطرت در منطق، کلام، فلسفه و عرفان کاربردهای مختلفی دارد اما مفهوم مشترک میان آنها عبارت است از آنچه نوع خلقت انسان و آفرینش او اقتضای آن را داشته باشد و از طریق تعلیم و تجربه به دست

1. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن، ص 64.

2. همان، ص 393.

3. جوهری، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، ج 2، ص 781.

4. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 187.

نمی‌آید.¹ در اصطلاح نیز مصباح یزدی فطرت را نوعی هدایت تکوینی و خدادای در وجود انسان می‌داند.²

بنابراین فطرت به معنای سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان و امور فطری که مقتضای نوع خلقت و آفرینش انسان است و میان همه انسانها مشترک است، می‌باشد.

ب) انتظار

انتظار در لغت یعنی «چشم به راه بودن»،³ و منتظر به کسی گفته می‌شود که از وضع حاضر و موجود راضی نیست و برای رسیدن به وضعیت مطلوب در تلاش است.⁴ در اصطلاح، آیت الله موسوی اصفهانی انتظار را حالتی روحانی و نفسانی، می‌دانند که موجب آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشند، می‌شود و ضد انتظار را یأس و ناامیدی معرفی می‌کنند.⁵

اما در بیان مفهوم انتظار فرج، میتوان آن را در دو مفهوم عام و خاص بررسی کرد؛ انتظار در معنای عام خود چشم به راه بودن آینده‌ای است که در آن اوضاع نابسامان مردمان بویژه مسلمانان و شیعیان اصلاح شود، ظلم و ستم و بی‌عدالتی‌ها برچیده شده و عدالت در سراسر جهان حاکم گردد و انتظار در مفهوم خاص عبارت است از امید و به انتظار نشستن یک منجی مصلح که با تشکیل حکومت جهانی خویش حکومت عدل و دادگری را جایگزین حکومت‌های جور و ستم می‌کند.⁶

معنایی که از انتظار در این مقاله مدنظر ماست و به بررسی آن می‌پردازیم، انتظار در معنای عام است.

فطری بودن خداخواهی

برای اثبات فطری بودن انتظار منجی در این مقاله، به اثبات فطری بودن سه مقوله خداخواهی، عدالتخواهی و تکامل‌طلبی انسان می‌پردازم و از طریق آن به اثبات موضوع مذکور می‌رسم، که در ابتدا به جهت اهمیت بیشتر به بررسی و اثبات فطرت خداخواه بشر پرداخته و آن را مقدم بر دو مقوله فطری دیگر ذکر می‌کنم.

در آیات و روایات بسیاری به فطرت خداخواه انسان اشاره شده است؛ از جمله روایتی از امام سجاد علیه السلام در نخستین دعای صحیفه سجادیه که به فطرت خداجو

1. بنیاد دائره المعارف، دانشنامه جهان اسلام، ص 7306.

2. مصباح یزدی، معارف قرآن، ص 26.

3. معین، فرهنگ فارسی، ج 1، ص 364.

4. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج 12، ص 166.

5. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج 2، ص 235.

6. محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن؛ حدیث و تاریخ، ج 5، ص 305.

و خداخواه انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «به قدرت خود، آفریدگان را آفرید و آنان را به خواست خویش به وجود آورد؛ بی آنکه از روی نمونه‌ای باشد. سپس آنان را در راه خواست خویش روان گردانید و در راه دوستی به خود برانگیخت.»¹ شهید مطهری تاکید دارد که مفاد عبارت آخر دعا این است که تمام این حرکات و تکاپوهای خلق، چه بفهمند و چه نفهمند، در طریق محبت خداست. حتی انگیزه اصلی آن که غیر خدا را می‌جوید، جست‌وجوی خداست، ولی در مصداق اشتباه کرده است.² از این رو است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند! تو قلبها را بر محبت خود آفریده ای.»³

در آیاتی از قرآن نیز به فطرت خداجوی انسان اشاره شده است مانند آیه فطرت که خداوند می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»⁴ پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم آگاه نیستند.

در این آیه فطرت خداجوی بشر بیان گردیده است، طبق این آیه، یکتاپرستی و خداجوئی جزء آفرینش انسانهاست.⁵ بنابراین یکی از گرایش های اصیل انسان، میل و محبت به خداست که از او جدایی ناپذیر است، البته ممکن است انسانها بر اثر شرایط محیطی نسبت به این میل فطری تا مدتی غافل باشند، ولی هنگام رفع مانع و هوشیاری، دوباره این میل جلوه می‌نماید؛ از این روست که در نهج البلاغه آمده است: «لَمَّا بَدَّلَ أَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَهِلُوا حَقَّهُ وَ اتَّخَذُوا الْأَنْدَادَ مَعَهُ ... فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيََاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ...»⁶؛ و این هنگامی بود که بیشتر آفریدگان از فطرت خویش بگردیدند و طومار عهد در نوردیدند، و حق او را نشناختند و برابر او خدایانی ساختند و... پس هرچندگاه پیامبرانی فرستاد و بوسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق الست را بگذارند و نعمت فراموش کرده را به یاد آرند. از عبارت «لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ» استفاده می‌شود که کار پیامبران ایجاد خداشناسی و خداجوئی در انسان نیست؛ بلکه آنان میثاق فطری انسان را که از آن غافل شده است، به او یاد آوری می‌کنند و او را به آنچه در درون دارد، رهنمون می‌سازند.⁷ جای پرسش است که منظور از میثاق فطرت، که به فرموده حضرت، انبیای الهی برای مطالبه از مردم و یادآوری آن مبعوث شده‌اند چیست؟

1. صحیفه سجاده، دعای 1، بند 3 و 4.

2. مطهری، فطرت، ص 253.

3. مجلسی، بحار الانوار، ج 78، ص 87.

4. روم: 30.

5. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 8، ص 299.

6. نهج البلاغه، خطبه اول.

7. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص 179_187.

تکامل خرد

همانگونه که ذکر گردید انسان گرایش به کمال مطلق و سعادت جاودان دارد، یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند انسان را به خواسته خویش برساند، رشد و بالندگی خرد و عقول آدمی است. زیرا خرد، به منزله حجتی باطنی، اصلی بنیادین در تشخیص فضایل و زذایل اخلاقی قرار دارد و زمانیکه به تکامل برسد انسان را یاری می‌رساند تا در اخلاق و بینش انسانی به مرحله کمال برسد و به تبع آن در بندگی خدا که راه سعادت است او را کمک می‌کند.

عصر ظهور مهدی موعود علیه السلام، عصر رشد و تعالی همه انسان‌ها در همه زمینه‌های انسانی، در پرتو تعلیم و تربیت الهی و رسیدن آنها به اوج خردورزی برای بندگی خداوند است. در روایتی از امام باقر علیه السلام مربوط به حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره‌ای روشن به رشد و بالندگی بعد فکری انسان شده است، که حضرت فرمودند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ»¹ چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد، پس عقولشان را جمع کند (تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نورزند) و در نتیجه خردشان کامل شود. «این گونه تعبیرها کنایه از تربیت امت اسلامی به دست امام قائم علیه السلام است و بهره از واژه «رؤوس» (سرها)، به جهت آن است که مردم سر را مرکز خرد و اندیشه می‌دانند و دست بر سر نهادن، کنایه از تربیت است و فرقی نمی‌کند که خداوند مربی باشد و یا مهدی علیه السلام؛ زیرا قانون مهدوی، همان قانون الهی است و تربیت او، آیت تربیت پروردگار بلند مرتبه می‌باشد. بدین ترتیب نتیجه طبیعی و مطلوب تربیت _ که عبارت از گرد آمدن عقل‌ها و تکامل اندیشه‌ها است _ به بار می‌نشیند.²

بنابراین پرورش خرد و اندیشه آدمی و بالابردن سطح دانایی او که موجب رشد و شکوفایی علمی، معنوی و اخلاقی که در ادامه به آن می‌پردازیم است، بر پایه روایات در عصر ظهور محقق خواهد شد و انسان به خواسته فطری خویش می‌رسد. در نتیجه انتظار ظهور، امری برخاسته از فطرت آدمی است.

تکامل اخلاق

یکی دیگر از خاستگاه‌های طبیعی بشر، رسیدن به آسایش و امنیت در عرصه‌های مختلف در سایه ارزش‌های اخلاقی است. اما تابحال این گرایش آدمی بی‌پاسخ مانده است. عصر پیش از ظهور، عصر فساد اخلاقی، انحرافات و کژروی‌های عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی، کم فروغی اخلاق و معنویت، انحطاط‌های خانوادگی، خشونت و... است و تنها یک دولت اخلاقی، می‌تواند این نابسامانی‌ها و کاستی‌ها را از بین ببرد.

¹. کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 25.

². صدر، تاریخ پس از ظهور، ص 460.

بشر عصر پیش از ظهور، تحت تبلیغات و ترویج افکار شیطانی و شهوانی، غرق در زندگی مادی و سکس می شود. بدین جهت دچار تباهی اخلاق و فساد سیاسی _ اجتماعی شده و جامعه گرفتار بحران معنویت، بحران انسانیت و بحران اخلاق و فرهنگ می گردد. برآمد این تباهی، زوال تمدن و فرهنگ بشری، دور شدن از کمال و سعادت واقعی و گرفتاری؛ در دام شیطان و بروز معضلات و مشکلات اساسی در روند حرکت تکاملی بشر است.¹

اما اسلام خداوند را مالک هستی، انسان و عرصه زیست او می داند و هدف از زیستن این جهانی را لذت‌گرایی و بهره‌مندی از مادیات منحصر نمی‌داند، بلکه زندگی آنجانی، قرب الهی و رسیدن به تکامل معنوی را هدف اساسی و غایت فرجامین بشر می‌داند. در جامعه مهدوی که بر مبنای اسلام است، دولتی اخلاقی با اخلاق مطلق اسلامی تشکیل می‌شود که برگرفته از آموزه‌های وحیانی، مضامین شریعت، تعقل و فطرت پاک انسانی است.² همانگونه که قبلاً بیان گردید، خرد آدمی در عصر ظهور به کمال میرسد و رشد و تکامل عقول موجب پرورش اخلاقی در عصر ظهور می‌گردد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در روایتی می‌فرماید: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»³ همانا همه نیکی‌ها و کمالات در پرتو عقل به دست می‌آید. و از دین بهره‌ای نبرده است آن کس که از خرد بهره‌ای ندارد.» بنابراین رسیدن به کمالات اخلاقی در پرتو نیروی خرد امکان‌پذیر است زیرا زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد است و عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند باز می‌دارد و او را به پاکی‌گزینی و ارزش‌های اخلاقی فرامی‌خواند در نتیجه وقتی خرد و افکار مردم در عصر ظهور، شکوفا شود؛ اخلاق آنان نیز کامل می‌شود و انسانها به بصیرتی اخلاقی می‌رسند.

نتیجه اینکه؛ در آینده تاریخ و با تشکیل دولت فرهنگی مهدوی و در سایه تربیت دینی مردم، اخلاق آنان تکامل یافته و خرده‌های ایشان شکوفا می‌شود و جامعه آلوده قبل از ظهور، به مدینه فاضله اسلامی تبدیل می‌گردد. و اینگونه خاستگاه طبیعی بشر و گرایش او به جامعه‌ای اخلاقی و سالم و پاک از کوچکترین فساد اخلاقی که می‌تواند در حرکت تکاملی بشر مؤثر باشد، پاسخ داده خواهد شد، بنابراین مسأله انتظار منجی مصلح و دولت اخلاقی او، امری مطابق با سرشت و طبیعت آدمی است.

نتیجه‌گیری

مقوله انتظار منجی، باور مشترک همه ادیان الهی هست، و آن شخصیت الهی و موعود در دیدگاه هر کدام از ادیان الهی متفاوت است، اما در اندیشه مسلمانان مقصود از

1. کارگر، مهدویت و آینده سیاست (دولت) از دیدگاه شیعه، ص 248.

2. محمدی منفرد، انسان‌شناسی دولت مهدوی، ص 13.

3. حرانی، تحف العقول، ص 54.

منجی، وجود مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ناگفته نماند امید به آینده‌ای روشن و اعتقاد به ظهور موعود، مسأله‌ای فطری است که با سرشت و نهاد آدمی آمیخته شده است، پژوهش حاضر با استفاده از گرایش‌های فطری انسان به اثبات فطری بودن انتظار منجی پرداخت. اهمیت پرداختن به این موضوع از آنجا روشن می‌شود که اگر مسأله انتظار و فطری بودن آن به درستی تبیین گردد، می‌تواند مهر باطلی بر تمام شبهاتی باشد که انتظار منجی را امری موهوم و بدون مبنا می‌داند و به تبع آن روح امید در جامعه زنده نگاه داشته شود. در این پژوهش با بررسی و اثبات سه گرایش فطری بشر (خداجویی، عدالتخواهی و تکامل‌طلبی)؛ به این نتیجه رسیدیم که مقوله انتظار منجی هماهنگ و موافق با سرشت و فطرت آدمی است؛ چرا که با توجه به تاریخ بشر و مشاهدات خویش می‌یابیم تمایلات فطری انسان و آرمانهای بلند او تابحال پاسخ داده نشده و بشر از فطرت خویش رویگردان شده است و بر اساس آموزه‌های شیعی انسان در عصر ظهور و در حکومت مهدوی به فطرت خویش باز می‌گردد و خاستگاه‌های فطری‌اش پاسخ داده می‌شود. بنابراین موضوع انتظار منجی و مصلح، به منزله امری فطری محسوب می‌شود.

منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

* صحیفه سجادیه

کتابهای فارسی

1. آملی، عز الدین بن جعفر، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مشهد: آستان قدس رضوی، 1355 هـ.ش.
2. بنیاد دائره المعارف، دانشنامه جهان اسلام، بی‌جا: بنیاد دائره المعارف اسلامی، 1362 هـ.ش.
3. پرچی‌زاده، عباسعلی، موعود فطرت، بی‌جا: انتشارات موعود عصر، 1398 هـ.ش.
4. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، تحقیق: محمدحسین الهی‌زاده، قم: اسراء، چاپ هفتم، 1392 هـ.ش.
5. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: بی‌نا، 1376 هـ.ش.
6. خمینی، روح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ شصت و سوم، 1398 هـ.ش.
7. راغب اصفهانی، حسین محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: ندیم مرعلشی، قم: دارالکتاب العربی، 1392 هـ.ق.
8. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم: مسجد مقدس جمکران، بی‌تا.
9. صدر، سیدمحمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه: حسین سجادی‌پور، بی‌جا: موعود عصر، چاپ پنجم، 1397 هـ.ش.
10. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، 1378 هـ.ش.
11. طبسی، نجم‌الدین، چشم اندازی به حکومت مهدوی، قم: بوستان کتاب قم، چاپ چهارم، 1382 هـ.ش.
12. فیض‌الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: بی‌نا، 1365 هـ.ق.
13. قرائتی، محسن، تفسیرنور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم، 1383 هـ.ش.
14. کارگر، رحیم، مهدویت و آینده سیاست (دولت) از دیدگاه شیعه، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، 1383 هـ.ش.
15. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: حسین استادولی، بی‌جا: دارالتقلین، چاپ چهارم، 1393 هـ.ش.
16. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی(عج) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم: مؤسسه دارالحدیث، 1393 هـ.ق.
17. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، بی‌جا: بی‌نا، چاپ هفتم، 1393 هـ.ش.
18. مطهری، مرتضی، فطرت، قم: صدرا، چاپ سی‌ودوم، 1398 هـ.ش.

19. _____، مجموعه آثار شهید مطهری، قم: صدرا، چاپ هفتم، 1376 هـ ش.

20. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، چاپ سوم، 1386 هـ ش.

کتابهای عربی

21. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، 1395 هـ ق.

22. جوهری، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و الصحاح العربیه، تحقیق: احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ چهارم، 1407 هـ ق.

23. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام ثانی عشر، بیجا: انتشارات مؤلف، 1442 هـ ق.

24. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی، 1390 هـ ق.

25. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404 هـ ق.

26. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، قم: انتشارات مسجد جمکران، چاپ سوم، 1379 هـ ش.

مقالات و پایان نامه‌ها

27. محمدی منفرد، بهروز، «انسان شناسی دولت مهدوی»، مشرق موعود، شماره ششم، 1387 هـ ش.

28. مولانا، حمید و دیگران، «اقتراح (عدالت سیاسی)»، انتظار، شماره سیزدهم، 1383 هـ ش.